اصول ثابت و متغیر رفتار نظام سلطه در قبال مساله فلسطین



مـــهدی عـزیـــزی

چکیده

نظام سلطه که در صدد استیلاء بر جهان به سرکردگی آمریکاست ویژگیهایی دارد که با ماهیت این نظام عجین شده است همین ویژگیها در رفتارهای سیاسی و مواضع او در قبال ملتها تبلور پیدا می کند. در این مقاله به بررسی اصول ثابت و متغیر رفتار نظام سلطه در قبال مسأله فلسطین و اسرائیل غاصب پرداخته می شود و روشن می شود که نظام سلطه در رفتار خویش با موضوع فلسطین از اصول ثابتی پیروی می کند که تمام موضع گیری ها و ابهامات رفتاری در گذشته و آینده را می توان در پرتو این اصول ثابت تفسیر کرد همچنین به برخی از رفتارهای متغیر نظام سلطه که گاه در ظاهر بر خلاف اهداف استکبار و به نفع فلسطین نمود پیدا می کند پرداخته می شود و رابطه ی آن با اصول ثابت رفتاری روشن می گردد.

واژگان کلیدی

اصول ثابت و متغیر، نظام سلطه، فلسطین، اسرائیل، ایالات متحده امریکا

مقـدمه

نظام سلطه به سرکردگی ایالات متحده امریکا سالهاست که در صدد گسترش سلطه سیاسی،اقتصادی، فرهنگی و نظامی خویش در سراسر دنیاست و در این بین منطقه غرب آسیا به عنوان غنی ترین بخش آسیا از نظر ذخایر و منابع برای چنین نظامی حائز اهمیت فراوان است. شناخت شاخصه های نظام سلطه در جهت فهم تاکتیک های مختلف استکبار ـــ که به حسب مقاطع و موقعیت های زمانی و مکانی در هر منطقه ای برای سلطه بیشتر در آن منطقه اعمال می کند ـ بسیار سودمند است. بررسی مسأله فلسطین و رابطه آن با نظام سلطه نیاز به انتزاع اصول ثابت و متغیر رفتاری این نظام در مواجهه با قضیه فلسطین دارد. اصولی که در پرتو تبیین آن بسیاری از رفتارهای گذشته و آینده نظام سلطه تفسیری روشن خواهد داشت چه این که حرکت های احتمالی و راهبردهای این نظام در قبال مسأله فلسطین در آینده نیز قابل پیش بینی خواهد بود. در این مقاله ضمن اشاره به برخی از شاخصه های نظام سلطه به صورت کلی به برخی از اصول ثابت و متغیر رفتاری این نظام در مواجهه با مسأله فلسطین و دولت غاصب اسرائیل می پردازیم.

1. مفهوم شناسی

سلطه در لغت به معنای «قدرت از روی قهر»[1]و در اصطلاح به معنای تسلط سیاسی و یا اقتصادی کشوری بر کشور دیگر می باشد.[2]هر چند در حقوق بین الملل اصل بر تساوی حاکمیت دولتها و عدم مداخله کشورها در امور داخلی یکدیگر است[3]اما واقعیت های اجتماعی و سیاسی حکایت از وجود قدرت های امپریالیستی و سلطه های گوناگون می کند که به صورت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ظاهر می شود.[4] نظام سلطه به سیستم و مجموعهای از دولتها اطلاق میشود که با شیوه سلطه جویی سیاسی ، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بر دیگر کشورها حقوق و منافع آنها را نادیده گرفته و منافع خود را ترجیح می دهند.[5]

از نگاه رهبر انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت ا خامنه ای نظام سلطه یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه گر و سلطه پذیر بنا شده است[6]و اینکه چند قدرت دست یافته به توانایی مادی و سلاح بخواهند بر دنیا حکومت کنند.[7]

حلقه اول نظام سلطه و مصداق بارز و اصلی آن در زمان فعلی ایالات متحده امریکاست. حلقه دوم نظام سلطه دولت های بزرگ عضو اتحادیه اروپا به ویژه انگلیس و فرانسه که قدرتهای صاحب حق وتو می باشند و تا حدودی دولت آلمان می باشد و در حلقه بعدی، دولت های توسعه یافته و غیر غربی همچون روسیه، ژاپن و چین قرار دارند و حلقه آخر نظام سلطه دولتهایی هستند که بقاء خود را در پشتیبانی از نظام سلطه می بینند و به عنوان مهره های نظام سلطه عمل می کنند.[8]

از آنجا که مصداق بارز و اصلی نظام سلطه، ایالات متحده امریکاست[9] و رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران نیز به این مسأله در فرمایشات خویش اشاره فرموده اند[10] در این مقاله به بررسی اصول ثابت و متغیر رفتار ایالات متحده امریکا در قبال مسأله فلسطین می پردازیم.

مقصود از اصول ثابت اصولی است که با عوض شدن دولتمردان و رؤسای جمهور ایالات متحده عوض نشده و نمی شود و رفتار سیاسی همه دولت مردان آمریکا و موضع گیری هایشان همگی بر مبنای این اصول بوده و هست. مقصود از اصول متغیر، مواضعی است که رؤسای جمهور آمریکا در مقاطع مختلف گرفته اند و احیاناً این مواضع با موضع دولت مردان دیگر آمریکا در مقاطع دیگر متفاوت است و حتی گاهی به ظاهر به نفع برخی از ملتها بوده است ولی تحلیل و بررسی آنها نشان می دهد که همه این مواضع متغیر، از یک نخ تسبیح ثابت پیروی می کنند و در تمام این موضع گیری های به ظاهر غیر ثابت، تبعیت از اصول رفتاری ثابت محفوظ است.

بنابر آنچه گفته شد نظام سلطه دارای شاخصه هایی از جمله برتری طلبی و سلطه گری یا هژمونی[11] ، منفعت طلبی، ظلم و جنگ افروزی و کشتار ملت ها، تحریف حقایق و مسحور ساختن مردم دنیا، پایبند نبودن به هیچ کدام از اصول انسانی و پیمان شکنی می باشد.[12] شاخصه هایی که تمام اصول رفتاری را در پرتو آنها باید تفسیر کرد و تمام رفتارهای نظام سلطه از همین ویژگی ها نشأت می گیرد که از کوزه همان برون تراود که در اوست.

2. اصول ثابت رفتار نظام سلطه در قبال فلسطین

از ابتدای تأسیس رژیم غاصب اسرائیل در سال 1948 ایالات متحده امریکا رفتاری ثابت و مشخص در رابطه با این کشور جعلی و ملت مظلوم فلسطین داشته است. رفتاری که رصد آن در طول بیش از نیم قرن اشغال فلسطین، می تواند کاشف از اصول ثابتی باشد که همواره ایالات متحده امریکا از آن تبعیت کرده و می کند. هدف کلان و استراتژیک نظام سلطه از تمام رفتارهای سیاسی و موضع گیری هایش در قبال مسأله

فلسطین در راستای شاخصه های سلطه جویی و منفعت طلبی در منطقه غرب آسیا، حفظ موجودیت اسرائیل بوده و هست. سیاستی که از ابتدای اعلام تشکیل دولت اسرائیل ، دنبال می شده و هم اکنون نیز دنبال می گردد. هرچند برخی از تحلیل گران معتقدند که حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه در شرایط کنونی، بیشتر از آنکه نفعی برای آمریکا داشته باشد، متأثر از لابی های صهیونیسم است[13] و بر اساس اسناد موجود نمی توان منکر تأثیرات به سزای لابی های صهیونیسم در سیاست گذاری های دولتمردان آمریکا شد[14] لکن تأمل بیشتر در اوضاع منطقه نشان می دهد که آمریکا به سرزمین فلسطین به عنوان قلب جغرافیای جهان اسلام احتیاج دارد تا بتواند ملتهای اسلامی را تحت فشار قرار داده و مانع از رشد حرکتهای اسلامی در منطقه گردد و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین، قائم مقام حضور استکبار و نظام سلطه است تا منافع استکبار را در این منطقه تامین کند.[15] بنابراین هدف نظام سلطه از حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه به همان شاخصه های از پیش ذکر شده یعنی منفعت طلبی و سلطه جویی باز می گردد. در راستای تامین این هدف، برخی از مهمترین اصول ثابت رفتاری نظام سلطه را می توان به صورت ذیل برشمرد.

الف) تنظیم مناسبات بین المللی بر مدار حفظ موجودیت اسرائیل

ترومن رئیس جمهور وقت دولت آمریکا بلافاصله پس از اعلام تأسیس رژیم صهیونیستی در تاریخ 14 می 1948 این رژیم را به رسمیت شناخت.[16]این در حالی بود که پیش از آن تلاشهای زیادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در راستای تصویب قطعنامه 181 موسوم به قطعنامه تقسیم در 29 نوامبر 1947 که مبنای تشکیل دولت یهود در منطقه فلسطین میشد از سوی ایالات متحده صورت گرفته بود.[17] در مراحل بعدی نیز استفاده از حق وتو در بسیاری از قطعنامه هایی که علیه اسرائیل در سازمان ملل صادر می شد[18] و حمایت های آشکار دیگر ایالات متحده امریکا در مجامع بین المللی از رژیم اشغالگر اسرائیل نشان آشکاری از تلاش نظام سلطه برای تنظیم مناسبات بین المللی بر مدار حفظ و حمایت بی دریغ از دولت غاصب اسرائیل بوده و هست.

در سال 2004 ایالات متحده حق اسرائیل را در داشتن مرزهای قابل دفاع بر اساس مرزهای سال 1967 به رسمیت شناخت و این به معنای رسمیت دادن به اشغالگری های اسرائیل و جنایات او نسبت به آنچه تا سال 1967 تصاحب کرده بود است زیرا تا قبل از سال 1967 و جنگ 6 روزه اعراب و اسرائیل، رژیم غاصب صهیونیسم 80 درصد از خاک فلسطین را به اشغال خود درآورده بود وبعد از جنگ 1967 ، تقریبا تمام خاک فلسطین به اشغال اسرائیل درآمد.[19] در مقاطعی، کشورهای ایالات متحده امریکا و دولت بریتانیا و فرانسه بر سر موضوع مورد مذاکره با کشورها، به رسمیت شناختن اسرائیل را به عنوان پیش شرط مذاکره

اعلام کرده اند[20] . ایجاد مانع برای جلوگیری از به ثمر رسیدن تلاشهای کشورهای عربی در جهت اینکه فعالیت های هسته ای اسرائیل را در دستور کار آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار دهند از دیگر اقدامات حمایتی آمریکا از اسرائیل در سطح بین الملل است.[21] همه این شواهد حاکی از روند تنظیم مناسبات بین المللی بر اساس حفظ موجودیت اسرائیل توسط نظام سلطه است که از ابتدای تشکیل دولت یهود تا کنون به عنوان یک سیاست ثابت از سوی تمام دولتمردان امریکا دنبال شده است و می توان از آن به عنوان یک اصل ثابت رفتاری نظام سلطه در قبال مسأله فلسطین یاد کرد. اصلی که تمام موضع گیری های مقطعی ایالات متحده امریکا از آن تخطی نکرده و نمی کند.

ب) حمایت های مالی و نظامی در جهت حفظ امنیت اسرائیل

کمکهای مالی و نظامی ایالات متحده امریکا به دولت اسرائیل از ابتدای تأسیس آن تا کنون غیر قابل انکار است. از زمان جنگ اعراب و اسرائیل در اکتبر سال 1973 ، حمایت آمریکا از اسرائیل در سطحي بوده که با هیچ کشور دیگري قابل مقایسه نیست. این حمایت شامل بیشترین میزان کمک سالانه مستقیم اقتصادي و نظامي از سال 1976 به بعد است. اسرائیل همچنین دریافت کننده بیشترین مجموع کمک از ایالت متحده امریکا بعد از جنگ دوم جهاني بوده است. مجموع کمک مستقیم آمریکا به اسرائیل تا سال 2003 بالغ بر یک صد و چهل میلیارد دلار آمریکا بوده است.[22] اسرائیل در هر سال بالغ بر سه میلیارد دلار کمک مستقیم دریافت مي کند که معادل یک پنجم کل بودجه کمک هاي خارجي آمریکا است. این در حالی است که برخی از محققین معتقدند مهار کردن جنایات رژیم صهیونیستی علیه بشریت، با اعمال محدودیت های اقتصادی امکان پذیر است ولی با این وصف دولت امریکا سالانه این حجم عظیم از کمک ها را به رژیم غاصب اسرائیل می کند.[23]در این اواخر هم ایالات متحده امریکا با رژیم صهیونیستی یک یادداشت تفاهم ۱۰ ساله امضا کردند که بر اساس آن تا سال ۲۰۲۸ کمک نظامی ۳۸ میلیارد دلاری برای این رژیم در نظر گرفته شده است.[24] تأمل در رفتار نظام سلطه در جهت حمایتهای مالی و نظامی از اسرائیل از ابتدا تا کنون، این جزم را به وجود می آورد که این رفتار، یک اصل ثابت در رفتار نظام سلطه در قبال مسأله فلسطین است و تا زمانی که منافع نظام سلطه در منطقه بر حفظ کیان اسرائیل استوار باشد، حمایتهای بی دریغ مالی و نظامی از رژیم غاصب نیز همچنان ادامه دارد.

ج) حمایت گسترده رسانه ای از رژیم اسرائیل

رسانه به عنوان مهمترین ابزار نظام برای جهت دهی به افکار عمومی و ذهنیت سازی برای مردم جهان نقش به سزایی دارد. رسانه ها قادرند با قدرت نمایی خود ذهن مخاطبان را بر ضد آنچه در عالم خارج وجود

دارد به سمتی دیگر سوق دهند و از آن بهره برداری نمایند. یکی از اقدامات نظام سلطه در این راستا تلاش برای مظلوم نشان دادن یهودیان در دنیا با جعل افسانه هولوکاست[25]و رسانه ای کردن آن و مستند سازی این واقعه است[26]تا جایی که به تعبیر فردریک توبن تاریخ دان آلمانی الاصل مقیم استرالیا:

«در اروپا می توان به حضرت مسیح(علیه السلام) و مریم مقدس افتراء بست اما نمی توان از یهودیان و هولوکاست انتقاد کرد»[27]

جریان فرهنگی نظام سلطه امروزه به واسطه شیپور تبلیغاتی آمریکا یعنی هالیوود و مجموعه فیلم های موسوم به آخرالزمانی به اذهان مردم دنیا مباحثی پیرامون ظهور و فرجام زندگی این زمینی را با تفسیر خود و به نفع موجودیت اسرائیل تزریق می کند.آنها معتقدند نیروهای شر و بی ایمان یعنی اعراب و مسلمانان علیه صهیونیسم متحد خواهند شد و در آخر الزمان در منطقه ای بنام آرماگدون در کارزار نهایی میان خیر و شر با هم خواهند جنگید.[28]طبیعی است که در این بین حفظ و تقویت دولتی یهودی در منطقه برای آمادگی با این جنگ بزرگ جهانی توجیه پذیر خواهد بود.

بزرگترین و معتبرترین شرکت های تشکیل دهنده هالیوود مانند «فوکس»،«پارامونت»، «وارنر» و ... تحت مالکیت یهودیان آمریکا قرار داشته و همواره مورد تأیید سردمداران نظام سلطه در آمریکا می باشند.[29]تشکیل «کمیته عالی سینما» باحضور رهبران صهیونیسم و حمایت ایالات متحده امریکا به منظور تهیه فیلمهایی در جهت خدمت به آرمان یهود و رژیم صهیونیستی از جمله اقدامات نظام سلطه در جهت بسط فرهنگ شیطانی خویش است. این کمیته موظف شد تا تمام فیلم های مطرح عربی و اسلامی و فیلم های سایر نقاط جهان را که در مورد مسائلی چون اشغال جنوب لبنان و فلسطین و در حمایت از اعراب ساخته شده بود را به هر وسیله ممکن از جشنواره های فیلم در سراسر جهان دور سازد.[30]

نظام سلطه از نشریات نیز در مسیر حمایت از اسرائیل بهره های فراوان برده و می برد. این در حالی است که عمده نشریات معروف آمریکایی یا متعلق به یهودیان است و یا تحت نفوذ و سیطره آنان قرار دارد برای نمونه تملک روزنامه «نیویورک تایمز» یکی از مشهورترین روزنامه های جهان در سال 1896 در دست «آرتور اوش» یهودی و شریک یهودی الاصلش «جولیوس آدلر» قرار گرفت که از روزهای نخست تاسیس خود دیدگاه صهیونیستها را درباره فلسطین ترویج می کرد.[31] روزنامه «واشینگتن پست» نیز که از پرتیراژترین روزنامه های آمریکا به شمار می رود موقعیتی مشابه دارد و در سال 1933 تملک آن به دست «یوجین مایر» یهودی افتاد[32] و از آن تاریخ تا سال 2013 در دست وارثان «مایر» بوده ودر طول این سالها پیوسته در خدمت اهداف صهیونیسم بود. دو مجله «تایم» و «نیویورک» نیز که از

پرتیراژترین و موثرترین مجلات نه تنها در داخل آمریکا بلکه در بسیاری از نقاط جهان اند تحت مدیریت یهودیان آمریکا اداره می شود[33] و به عنوان دو مبلغ مهم برای صهیونیسم و در خدمت اهداف غیر انسانی رژیم اسرائیل است. تمام نمونه های ذکر شده تنها گوشه ای از حمایت گسترده رسانه ای نظام سلطه از اسرائیل است که به عنوان یک اصل ثابت رفتاری سالهای سال است که دنبال می شود و از آن تخطی صورت نمی گیرد.

د) تضعیف آرمان فلسطین در میان جوامع به ویژه جوامع مسلمین

آزاد سازی قدس شریف و سایر مناطق اشغالی فلسطین از چنگال صهیونیسم آرمان ملت فلسطین و ملتهای حامی آن است. ملت فلسطین بیش از نیم قرن است که برای دستیابی به این آرمان تلاش می کند و این مشعل فروزان نه تنها در بین مردم فلسطین رو به خاموشی نگراییده بلکه روز به روز فروزنده تر می شود، مقاومت مردمی ملت فلسطین که تحت عنوان انتفاضه مسجد الاقصی فصل دیگری را در کتاب تاریخ فلسطین ورق زده است شاهد زنده ای براین مدعاست. در این بین نظام سلطه همواره با تمام قوا در صدد تضعیف این آرمان در سطح بین الملل به ویژه جوامع مسلمین بوده و هست و این رفتار به منزله یک اصل ثابت رفتاری به منظور حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه از سوی نظام سلطه صادر می شود. این تلاش گاه در قالب ساخت فیلمهای جذاب و فعالیتهای گسترده ای رسانه ای نمود کرده و گاه در شکل تلاشهای دیپلماتیک ظهور و بروز داشته است. مروری بر سینمای آمریکا و غرب که ابزاری مهم در دست سردمداران نظام سلطه است این باور را به خوبی تایید می کند که در این مقاله به بخشهایی از آن در ذیل عنوان حمایت رسانه ای نظام سلطه از اسرائیل اشاره شد. یکی از تلاشهای همسو با این اصل ثابت رفتاری، تلاش دیپلماتیک در جهت تسهیل در روند مذاکرات صلح با اسرائیل است.[34] زیرا مذاکرات صلح به معنای پذیرش و به رسمیت شناختن دولت اسرائیل و به نوعی زیر پا گذاشتن آرمان آزادی فلسطین است. از سویی دیگر طرح جدید آمریکا موسوم به معامله قرن نیز به نوعی خیانت به آرمان فلسطین به شمار می رود. زیرا با این طرح، سازش بین اعراب و اسرائیل شکل رسمی و علنی به خود خواهد گرفت و کشورهای عربی مشروعیت رژیم غاصب اسرائیل را رسماً اذعان خواهند کرد و این یعنی زنده به گور کردن آرمان فلسطین. [35]

3. اصول متغیر رفتار نظام سلطه در قبال مسأله فلسطین

فارغ از اصول ثابت ذکر شده، مواضعی در مناسبت های مختلف از سوی ایالات متحده امریکا اتخاذ شده که اگر کسی به این اصول ثابت توجه نداشته باشد، ممکن است رفتار نظام سلطه را به گونه ای توجیه کرد

که گویا نظام سلطه در این مقطع متمایل به حمایت از ملت فلسطین شده است. لکن همانگونه که ذکر شد اصول ثابت به منزله نخ تسبیحی است که باید رفتار متغیر نظام سلطه را در پرتو آن اصول ثابت تفسیر کرد.

الف) عدم مخالفت با برخی از قطعنامه های صادر شده علیه اسرائیل

در مقطع زمانی سالهای 1946 تا 1973، شورای امنیت سازمان ملل 63 قطعنامه در مورد فلسطین صادر کرده که آمریکا تنها دو مورد از آن را وتو کرده است.[36] در حالیکه در خلال سالهای1974 تا 1991 ایالات متحده به شدت به سلاح وتو متوسل شد به نحوی که شمشیر برنده شورای امنیت را درباره فلسطین از کار انداخت و بیش از 82 در صد از وتوهای آمریکا در این دوره بر روی قضیه فلسطین بوده است.[37] این رفتار متغیر ایالات متحده ممکن است در نگاه سطحی این تصور را در اذهان شکل بدهد که نظام سلطه در مقطعی دست از تلاشهای سلطه جویانه برداشته است لکن شواهد و قرائنی از قبیل تلاشهای آمریکا به عنوان یکی از علل اساسی تصویب قطعنامه تقسیم در سال 1947 علیه ملت فلسطین[38] و توجه به اصول ثابت ذکر شده نشان می دهد که این رفتار، مقطعی و به سبب مصالحی بوده و به هیچ وجه کاشف از نقض آن اصول ثابت نیست.

ب) حمایت از بین المللی بودن شهر قدس و عدم انتقال سفارتخانه به این شهر

علیرغم اینکه سازمان ملل متحد طبق قطعنامه 181 این شهر را منطقه بین المللی اعلام کرده بود، اسرائیل بر اشغال و یکپارچه سازی شهر قدس تأکید می کرد و در سال 1953 قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل معرفی کرد. اما مواضع رؤسای جمهور ایالات متحده در این موضوع متفاوت بود. برخی همچون «ترومن» با مخالفت با قطعنامه 303 سازمان ملل که بر بین المللی بودن دائمی قدس تأکید داشت، یکپارچه بودن قدس را بر بین المللی بودن آن ترجیح داده[39] و برخی همچون «آیزن هاور»، با درخواست اسرائیل مبنی بر انتقال سفارت آمریکا در 10 جولای 1953 به شهر قدس مخالفت کردند. «جان فوستر دالاس» وزیر خارجه آمریکا در زمان آیزن هاور در پاسخ به درخواست اسرائیل چنین نوشت: «ایالات متحده امریکا طرحی برای انتقال سفارتش از تل آویو به بیت المقدس ندارد».[40] درمقابل، «جانسون» سیوششمین رئیس جمهور آمریکا اعلام کرد که «هیچکس نمیخواهد بار دیگر شهرقدس را تقسیم شده ببیند».[41]از سوی دیگر «ویلیام راجرز» وزیر خارجه دوران ریاست جمهوری «نیکسون» خواستار عدم شناسایی قدس به عنوان پایتخت اسرائیل و عدم انتقال سفارت آمریکا به این شهر شد.[42] در دوره های بعدی نیز مواضع امریکا در قبال قدس با فراز و فرود همراه بود اما این موضع گیریهای به ظاهر متناقض، هیچگاه تغییری در

اصول ثابت رفتار ایالات متحده در قبال مسأله فلسطین ایجاد نکرد.

ج) تلاش برای میانجیگری میان رژیم اسرائیل و فلسطین با پیشنهادات صلح

در طول بیش از نیم قرن از اشغال فلسطین تا کنون مدیریت بحران منطقه غرب آسیا و فلسطین از اهمیت اساسی در سیاست خارجی رهبران آمریکا برخوردار بوده است و تمام رؤسای ایالات متحده امریکا به نوعی به دنبال راه حلی برای پایان منازعه میان اعراب و اسرائیل بودهاند و در این بین، راه حلها و اقداماتی نیز داشتهاند. برای نمونه در تاریخ 13 آوریل 1985 دولت آمریکا «ریچارد مورفی» فرستاده ویژه خود را برای یافتن راهی برای پیشرفت روند صلح خاورمیانه و ارزیابی دورنمای برگزاری مذاکرات صلح بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی به این منطقه فرستاد. که این سفر دست آوردی نداشت و درپی آن آمریکا هیأت دیگری را به ریاست شولتز به منطقه خاورمیانه فرستاد.[43] در این فاصله اقدامات نه چندان موفقی صورت گرفت که سرانجام واشنگتن موفق شد اسرائیل، مصر، سوریه، اردن، لبنان و فلسطینی ها را به شرکت در کنفرانس صلح مادرید در اکتبر 1991 متقاعد کند وبه موفقیت نسبی دست یابد.[44] «جرج بوش» نیز در اواخر دوران ریاست جمهوری اش به فکر موضوع فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی افتاد و بسیاری از رهبران عرب و رهبران مناطق خود گردان فلسطینی را به کنفرانس آناپولیس در 27 نوامبر 2007 فراخواند. این کنفرانس نخستین مذاکرات همهجانبه و جدّی از سال 2000 بود.[45]
این مواضع آمریکا در مقاطع مختلف اگر چه ممکن است به ظاهر به نفع فلسطین و در تضاد با اصول ثابت نظام سلطه نمود پیدا کند ولی در واقع در طول همان اهداف و اصول است. آمریکا برای کنترل اعراب و منطقه غرب آسیا باید گاهی نقش میانجی را بازی کند تا این بازی را به نفع خویش رقم بزند. روی دیگر سکّه مذاکرات صلح، به رسمیت شناختن دولت غاصب اسرائیل و تثبیت موجودیت اسرائیل در منطقه است که در راستای اهداف اصلی نظام سلطه برای تسلط و کنترل منطقه غرب آسیا می باشد.

نتیجه گیری

نظام سلطه به سرکردگی ایالات متحده امریکا نظامی است که درصدد استیلاء بر جهان و استفاده ابزاری از ملتها در جهت تأمین و گسترش منافع خویش است. سلطهجویی، منفعت طلبی، ظلم و جنگ طلبی و بدعهدی برخی از مشخصات بارز این نظام است. ایالات متّحده به عنوان سردمدار نظام سلطه در دنیای کنونی در قبال مسألهی فلسطین و رژیم اشغالگر قدس، از اصول رفتاری ثابت و متغیری تبعیت می کند که همه این اصول برگرفته از شاخصههای اصلی نظام سلطه است؛ شاخصههایی که ماهیت اصلی نظام سلطه را تشکیل میدهد و به منزلهی فصل جدایی ناپذیرآن است. بنابراین اصول رفتاری ثابت نظام سلطه در قبال فلسطین هم

اصولی است که با ماهیت نظام سلطه عجین شده است و همهی این اصول در راستای هدف تامین موجودیت اسرائیل می باشند. رفتارهای مقطعی و متغیر نظام سلطه نیز که گاهی به حسب ظاهر به نفع فلسطین و تخطی از اصول این نظام نمود پیدا میکند در نگاه کسانی که با ماهیت استکباری این نظام و اصول رفتاری آن آشنا هستند تفسیر دیگری دارد و همهی این رفتارها در راستای تحقق اهداف روشن استکبار توجیه پذیر خواهد بود.

منابع و مآخذ:

1- ابوغنیمه، زیاد؛ ترجمه احمدی، فتاح؛ «رسانه های جهان در پوشش مرئی و نامرئی صهیونیسم»؛ نشریه وقف میراث جاویدان؛ تابستان 1372ش

2- پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت ا خامنه ای www.khamenei.ir

3- حسینی، سید مجید؛ هولوکاست حریم ممنوعه؛ انتشارات ابتکار دانش؛ چاپ اول؛ قم؛ 1385ش.

4- جعفری، سید اصغر؛ «راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی (ره)»؛ نشریه مطالعات انقلاب اسلامی: شماره 50 ؛ پاییز 1396

5- خبر گزاری جمهوری اسلامی ایران http://www.irna.ir

6- خبرگزاری مهر https://mehrnews.com

7- درخشه، جلال ـ کوهکن، علیرضا؛ «نگاهی نو به دلایل حمایت امریکا از اسرائیل» ؛ فصلنامه خط اول؛ سال سوم؛ شماره10؛ پاییز 1388ش

8- دهقانی، حمیدرضا؛ «سیاست رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا در مورد قدس»؛ فصلنامه مطالعات منطقه ای ؛ زمستان 1388ش.

9- دیوک، دیوید؛ ترجمه واحد ترجمه موسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم؛ بیداری من؛ انتشارات تسنیم اندیشه؛ چاپ اول؛ قم ؛ 1384ش.

10- راغب اصفهانی؛ حسین بن محمد؛ ترجمه خسروی، غلامرضا؛ مفردات الفاظ القرآن ؛ انتشارات مرتضوی؛ چاپ دوم؛ تهران؛ 1374ش.

11- سروش نژاد، احمد ؛ دیپلماسی اشغال؛ تهران ؛ انتشارات سفیر اردهال؛ چاپ اول؛ 1393ش.

12- سعیدی نژاد،حمید رضا؛ «نگاه فلسطین،سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا»؛ فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره 17، زمستان 1382

13- سیفی، محمد یاسین؛ «سینمای آخرالزمان هالیوود و مهدویت»؛ کنگره ملی پژوهش در مهدویت دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر؛ اسفند ماه 1391 قابل دسترسی در:

http://aac.iaukhsh.ac.ir/Images/ConferenceArticles/A1391-5581-MNC.pdf

14- صفاتاج، مجید؛ دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل؛ ج5؛ انتشارات آرون؛ چاپ دوم؛ تهران؛ 1391ش.

15- ----------؛ نظام سلطه؛ انتشارات آفاق روشن بیدارید؛ چاپ اول؛ تهران؛ 1394ش.

16- طبیعت شناس، سعید؛ صهیونیسم و سینما؛ انتشارات قبله اول؛ چاپ اول؛ تهران؛ 1383ش.

17- علی بابایی، غلامرضا؛ فرهنگ روابط بین الملل؛ انتشارات وزارت امور خارجه؛ چاپ سوم؛ تهران؛ 1383ش.

18- فرانسیس آنتونی بویل؛ ترجمه هرندی، سیدهادی؛ «جنایت علیه بشریت در فلسطین با حمایت آمریکا»؛ نشریه سیاحت غرب ؛ سال دهم - شماره 11؛ اردیبهشت 1392ش.

19- قربان پور، علیرضا؛ «سیاست امریکا در قبال فلسطین و امنیت جمهوری اسلامی»؛ فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام؛ زمستان 1386ش.

20- کتان، هنری؛ ترجمه فدایی، غلامرضا؛ فلسطین و حقوق بین الملل؛ انتشارات امیرکبیر؛ چاپ اول؛ تهران؛ 1354ش.

21- نوروزی خیابانی، مهدی؛ فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی؛ نشرنی؛ چاپ اول؛ تهران 1384ش.

22- وبر، مارک؛ «نگاهی به لابی قدرتمند یهودیان»؛ نشریه سیاحت غرب؛ بهمن 1384ش.

23- هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ج 1؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران؛ 1374ش.

[1]- راغب اصفهانی، حسین؛ مفردات الفاظ القرآن، ج2؛ ص241

[2] - جعفری، سید اصغر؛ راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی(ره)؛ ص 142

[3]- ماده سوم اعلامیه 24 اکتبر 1970 سازمان ملل متحد

[4]- هاشمی، سید محمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج1؛ ص 101

[5] - جعفری، سید اصغر؛ راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی(ره)؛ ص 143

[6]- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ 20/4/1394

[7]- بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی؛ 28/11/1392

[8]- جعفری، سید اصغر؛ راهبردهای امت اسلامی برای مقابله با نظام سلطه از دیدگاه امام خمینی(ره)؛ ص 143

[9]- صفاتاج، مجید؛ نظام سلطه؛ ص 56

[10]- بیانات در دیدار با مردم آذربایجان شرقی؛ 28/11/1392

[11] - ر.ک: علی بابایی، غلامرضا؛ فرهنگ روابط بین الملل؛ ص 359 و نوروزی خیابانی، مهدی؛ فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی؛ ص 218

[12]- ر.ک: صفاتاج، مجید؛ نظام سلطه؛ ص 24-44

[13]- ر.ک: درخشه، جلال و کوهکن، علیرضا؛ نگاهی نو به دلایل حمایت آمریکا از اسرائیل

[14]- ر.ک: صفاتاج، مجید؛ دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل؛ ج5؛ ص 697-699

[15]- بیانات در کنفرانس بین المللی حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین؛ 27/7/1370

[16]- دهقانی، حمیدرضا؛ سیاست رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا در مورد قدس؛ ص 5

[17] - ر.ک: کتان، هنری؛ فلسطین و حقوق بین الملل؛ ص 69-76 و سعیدی نژاد،حمید رضا؛ نگاه فلسطین،سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا؛ ص149

[18]- ر.ک: سعیدی نژاد،حمید رضا؛ نگاه فلسطین،سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا؛ ص170-171

[19]- ر.ک: سروش نژاد، احمد ؛ دیپلماسی اشغال؛ ص9و11

[20]- ر.ک: خبرگزاری مهر؛ 12/4/1397

[21]- ر.ک: درخشه، جلال و کوهکن، علیرضا؛ نگاهی نو به دلایل حمایت آمریکا از اسرائیل؛ ص94

[22]- ر.ک: همان؛ ص93

[23]- فرانسیس آنتونی بویل؛ جنایت علیه بشریت در فلسطین با حمایت آمریکا؛ ص49

[24]- خبر گزاری مهر؛ 24/11/1396

[25] - ر.ک: وبر، مارک؛ نگاهی به لابی قدرتمند یهودیان؛ ص 103-104 و دیوک، دیوید؛ بیداری من؛ ص 276-318

[26]- برای نمونه نگاه کنید به فیلم «فهرست شیندلر» ساخت کارگردان معروف «اسپیلبرگ»

[27]- حسینی، سید مجید؛ هولوکاست حریم ممنوعه؛ ص 77

[28]- ر.ک: سیفی، محمد یاسین؛ سینمای آخرالزمان هالیوود و مهدویت ؛ ص 7

[29]- ر.ک: طبیعت شناس، سعید؛ صهیونیسم و سینما ؛ ص61

[30]- ر.ک: همان ؛ ص 68-71

[31]- ر.ک: ابوغنیمه، زیاد؛ رسانه های جهان در پوشش مرئی و نامرئی صهیونیسم؛ ص 123

[32]- دیوک، دیوید؛ بیداری من؛ ص113

[33]- ر.ک: ابوغنیمه، زیاد؛ رسانه های جهان در پوشش مرئی و نامرئی صهیونیسم؛ ص124-125

[34]- ر.ک: صفاتاج، مجید؛ دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل؛ ج5؛ ص 694-695

[35]- ر.ک: خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ 20/4/1397

[36]- سعیدی نژاد،حمید رضا؛ نگاه فلسطینی،سازمان ملل و ایالات متحده آمریکا؛ ص 148

[37]- همان؛ ص 155

[38]- دهقانی، حمیدرضا؛ سیاست رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا در مورد قدس؛ ص 5-6

[39]- همان؛ ص 6

[40]- ر.ک: همان؛ ص7

[41]- ر.ک: همان؛ ص9

[42]- ر.ک: همان؛ ص12

[43]- صفاتاج، مجید؛ دانشنامه صهیونیسم و اسرائیل؛ ج5؛ ص 6-7

[44]- قربان پور، علیرضا؛ سیاست امریکا در قبال فلسطین و امنیت جمهوری اسلامی ؛ ص48

[45]- ر.ک: دهقانی، حمیدرضا؛ سیاست رؤسای جمهور ایالات متحده امریکا در مورد قدس؛ ص 24-25